

پیش‌خوانی

نظری بر انتشار خطبه‌های نماز جمعه آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی

روایتی از صحنه‌سیاست در آغازین سالیان تأسیس نظام اسلامی

■ **شاهد توحیدی**



انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) اخیراً اثر سیاسی - تاریخی «سیاست اخلاقی و اخلاقی سیاسی» که شامل خطبه‌های نماز جمعه فقید سعید مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی است، منتشر و روانه بازار نشر ساخته است. در نگاه کلی می‌توان این مجموعه را شامل روایت‌ها و تحلیل‌های سخنرانی از وقایع دهه آغازین حیات نظام اسلامی قلمداد کرد که در قالب خطبه‌های نماز جمعه تهران بیان شده است. دکتر نادر جعفری هفت خوانی تدوینگر اثر، در مقدمه خویش بر این کتاب آورده است: «فقید سعید، مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی و در کنار مسئولیت‌های متعدد و کلان اجرایی و علمی خویش، امامت جمعه موقت تهران را نیز در دوره‌ای محدود به عهده داشتند و در مواقعی نیز بنا به ضرورت، سخنران پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران بوده‌اند. اگرچه معدود بودن دفعات عهده‌داری این مسئولیت از سوی معظم‌له، از یک‌سو موجب شده تا این و چه از نقش اجتماعی، عبادی و سیاسی ایشان کمتر به چشم آید ولی از سوی دیگر، همین محدودیت می‌تواند بر اهمیت محتوای این خطبه‌ها و سخنان بیفزاید. به ویژه آن‌که جست‌وجوی پژوهشگر نشان می‌دهد هیچ‌یک از سخنرانی‌های پیش از خطبه‌ها و نیز تقریباً هیچ‌یک از خطبه‌های ایشان تاکنون انتشار نیافته‌است، از این رو به معاونت پژوهشی دانشگاه و دفتر تنظیم آثار معظم‌له پیشنهاد شد این مجموعه از خطبه‌ها و سخنان در یک قالب منسجم گردآوری شوند و با تدوین علمی نوبنی انتشار یابند. این مجموعه حاضر شامل پنج سخنرانی معظم‌له پیش از خطبه‌ها در کنار ۲۴ خطبه‌ای که ایراد شده‌اند مجموعاً ۲۹ متن را در یک دوره زمانی



حدوداً ۲۰ ساله دربر می‌گیرد. از سویی همانطور که خوانندگان محترم توجه خواهند نمود متن خطبه‌ها و سخنرانی‌ها مشحون از آیات مختلف قرآن کریم و روایات متعددی است که معظم‌له ضمن ارائه مباحث اخلاقی آنها را ذکر نموده یا به آنها رجاع داده‌اند، بنابراین از یک‌سو می‌توان متن اثر حاضر را از میان مباحث اخلاقی و دینی برشمرد که خواننده را با ابعاد مختلف موضوعات اخلاقی به‌ویژه با تأکید بر جنبه‌های کاربردی آنها آشنا می‌سازد و به همین دلیل به نظر رسید خوب است خواننده علاقه‌مند را در خلال اینگونه مباحث به کتاب اخلاق علمی معظم‌له نیز رجاع دم تا امکان طرح و مرور بیشتر نظر گاه‌های اخلاقی ایشان نیز فراهم آید. بنابراین یادآوری این موضوع ضروری می‌دانم که به نظر پژوهشگر، این اثر در کنار دو اثر مهم منتشر شده از معظم‌له، یعنی کتاب نقطه‌های آغاز در اخلاق علمی و کتاب خاطرات ایشان، سه‌گانه‌ای مکمل را می‌سازد که از نقاط دوسویه و دانه‌ی از میان مباحث اخلاقی (عرفان نظری)، امور اجرایی و اداری دولت(تدبیر حکومت) و نهایتاً اخلاق حرفه‌ای (عرفان عملی) بنا می‌پنهد. بدید آورنده اثر در بخش دیگری از دیباچه خویش، پس از توضیحی به نام «کرد و پیوستگی نژادی آن کشور نشسته است: «با توجه به اینکه محور اصلی متن کتاب، سخنان معظم‌له در جایگاه نماز جمعه تهران است، روش کار اینگونه تنظیم شد که در ابتدا فرمایشات اخلاقی از آنجگونه به متن تبدیل شده و سپس طی مراحل به تدریج پردازش‌های مورد نیاز روی متن‌ها انجام گرفته است. باین همه انتظار می‌رود خوانندگان محترم هنگام بهره‌برداری از متن، به این ویژگی‌ها عنایت کافی داشته باشند:

۱- توجه به اینکه مخاطبان خطبه‌های نماز جمعه در درجه نخست، همان نمازگزاران و اقشار مختلف جامعه بوده و هستند،لذا خطیب و امام جمعه باید با زبانی ساده و واژگانی قابل فهم، به ایراد سخن می‌پرداخته است، بنابراین محتوای اصلی این متن، خطابه‌هایی شفاهی برای عموم مردم بوده و اگر چه ممکن است متن پیش‌رو هنوز هم از همین ویژگی‌ها برخوردار باشد، اما در عین حال تلاش شده تا مطالب در حالت گفتاری خارج شوند و مشابهت بیشتری به متن بیابند.

۲- استفاده از دایره معصول واژگان آیت‌الله مهدوی کنی برای پژوهشگر موضوعیت داشته و حتی شیوه انشا و سخنرانی معظم‌له و تأکیدات خاص ایشان روی برخی کلمات، اصطلاحات و استادات قرآنی، مورد توجه قرار داشته و به همین خاطر سعی بر حفظ اصالت کلام ایشان شده است.

■ **سمانه صادقی**

جدایی طلبی کردهای عراق می‌تواند بسیاری از کشورهای کردنشین را به تأمل در باره این رخداد وادارد.این درنگ اما بدون خوانشی از پیشینه این قوم ناتمام است،چه اینکه شناخت اکنون هماره ریشه‌های ژرف در گذشته دارد.در گفت و شنود پیش‌رو با خسرو معتضد تاریخ پژوه معاصر،این پیشینه‌مورد بازخوانی قرار گرفته است.

■ ■ ■

در این‌روزها که کردهای عراق در پی استقلال و جدایی طلبی هستند و به نوعی سعی در تحریک هموطنان کرد ایرانی دارند، بفرمایید چه هم‌نژادی میان اقوام کرد و ایرانیان به چه دورانی بازمی‌گردد؟

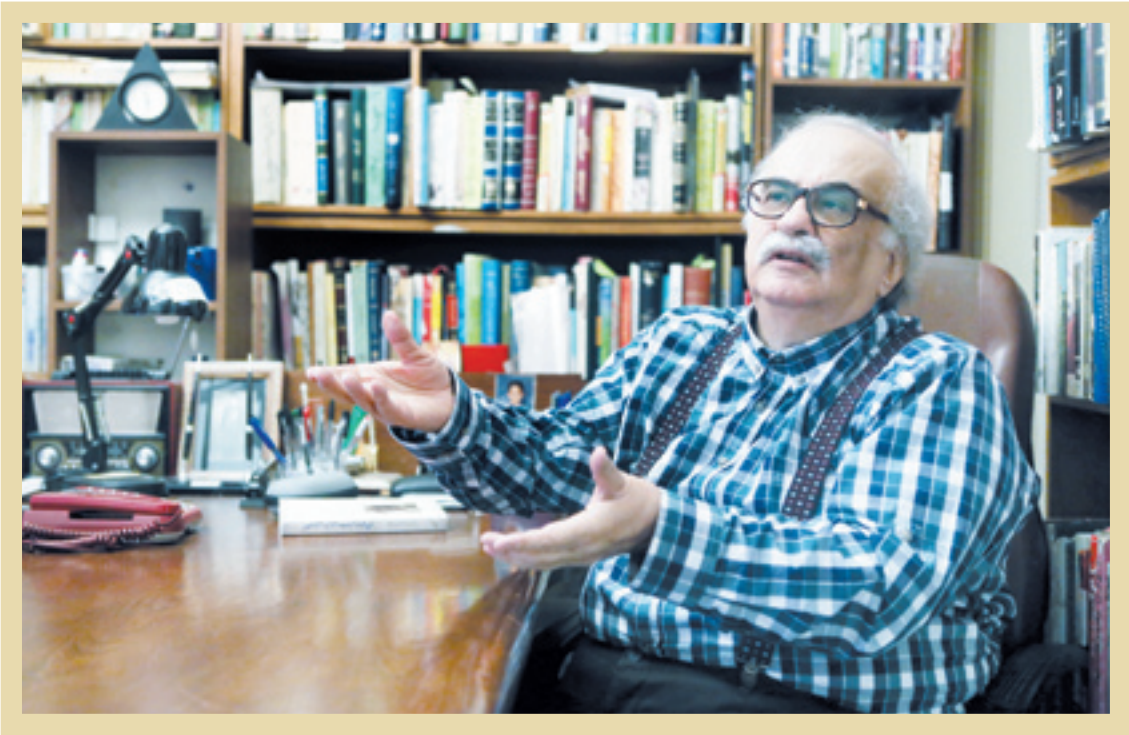
با نگاهی به تاریخ می‌بینم از دیرباز کردها جزئی از مردم ایران بوده‌اند، چر که نواحی مرزی ایران پیش از صفویه به صورت امروزی مشخص نشده بود و به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شدند به همین سبب مردم کرد در مناطقی که امروزه جزو کشورهای همسایه محسوب می‌شود، به‌صورت پراکنده زندگی می‌کردند. مثلاً در همین دوره صفویه شهری به نام دیاربک وجود داشت که مردمش به حاکم ایران تعلق خاطر داشتند، اما امروزه این شهر در داخل مرزهای کشور ترکیه واقع شده‌است. یعنی کردها قبل از اینکه ملت جدا و متفاوتی باشند، ایرانی‌اند.

در اسناد تاریخی به این هم‌نژادی اشاره شده‌است؟

بله، در دوران حکومت هخامنشیان زمانی که گزنفون مورخ و وقایع‌نویس ارتش یونان به کمک یکی از شاهزادگان (کوروش کوچک علیه برادرش اردشیر دوم) می‌آید، در خاطراتش می‌نویسد: «هن از سرزمین کاردوس وارد شد.» یعنی قسمتی از سرزمین ایران کنار دو اثر مهم منتشر شده از معظم‌له، یعنی کتاب نقطه‌های آغاز در اخلاق علمی و کتاب خاطرات ایشان، سه‌گانه‌ای مکمل را می‌سازد که از نقاط دوسویه و دانه‌ی از میان مباحث اخلاقی (عرفان نظری)، امور اجرایی و اداری دولت(تدبیر حکومت) و نهایتاً اخلاق حرفه‌ای (عرفان عملی) بنا می‌پنهد. بدید آورنده اثر در بخش دیگری از دیباچه خویش، پس از توضیحی به نام «کرد و پیوستگی نژادی آن کشور ایران» را تألیف کرده است. پس از جنگ جهانی اول در تقسیم‌بندی‌های انجام گرفته، بخشی از منطقه کردنشین ایران به عراق اهدا شد که حالی که اصلاً تناسبی بین قوم کرد و عرب وجود نداشت. حتی گفته شد که شازده فرمانفرما قرمزایی عراق را بر عهده بگیرد که سرانجام اینطور نشد.

عاریخ

کتب و کوفه ۸۸۴۹۸۴۹۹



محمدرضا کریم‌محمد جان

کردها و نسبت آنان با فرهنگ و جغرافیای ایران در گفت‌وگوی «جوان» با خسرو معتضد

جدایی طلبی کردهای عراق دسیسه قدرت‌هاست

علت پراکندگی قوم کرد در نقاط مختلف

کشور چه بوده و این امر در چه دوره‌هایی رخ داده‌است؟

مردم کرد زبان اغلب در کرمانشاه،همدان،ایلام و سنندج ساکن بوده‌اند اما در زمان شاه‌عباس بخشی از کردها به دستور وی به خراسان کوچ کردند و طایفه‌های شادانلو، شادالو و زعفران‌لو را تشکیل دادند. علاوه بر شاه عباس نادر شاه نیز به خاطر شجاعت کردها آنان را به نقاط مختلف کشور کوچ داد. رضاخان نیز برای جلوگیری از شورش آنان تصمیم به کوچاندن آنها گرفت.

اعلام جدایی طلبی کردها نخستین بار توسط چه کسی و برای چه آغاز شد؟

پس از پایان جنگ جهانی اول، وقتی سپاه عثمانی از تبریز خارج شد و مکرم‌الملک به عنوان «نایب‌الایاله» حکومت خود بر این منطقه را آغاز کرد، احساس می‌شد آرامش و امنیت به منطقه بازگشته ولیکن اسماعیل آقا سبیت‌خوآن منطقه کردستان دست‌به‌آشوب در منطقه زد. او از آنجا که پدرش (محمدآقا) و برادرش (جعفر آقا) به دست دولت مرکزی کشته شده بودند، علیه دولت مرکزی و حکمران تبریز قیام کرد. او تمام طوایف روستا منطقه را با خود متحد ساخت و بسیاری از آن مناطق را به تصرف خود درآورد. هم‌زمان با این شورش در نقاط دیگر شمال غربی ایران یعنی آذربایجان و کردستان ترکیه درگیرهای بین ارمنه و آشوری‌ها با ترکی‌های عثمانی روی داده بود که بیشتر رنگ مذهبی داشت. در چنین شرایطی رهبران کردی که در ترکیه به سر می‌بردند از اختلافات اسماعیل آقا با دولت مرکزی ایران استفاده کردند و او را به سمت خود کشاندند و همین مسئله باعث شد تا حرکت وی رنگ و بوی سیاسی به خود بگیرد، اما اسماعیل آقا در ارومیه غار تنگ‌ری‌های بسیاری کرد و خون‌های زیادی ریخت.

در واقع دولت مرکزی پسر و برادر اسماعیل آقا را به علت شرارت و تعرض به زن و بچه مردم و غارت شهرها سرکوب کرده بود اما در مقابل هر گاه حکومت ایران به مقابله با اقدامات اسماعیل آقا می‌پرداخت، دولت ترکیه از وی حمایت می‌کرد و به‌او پناهندگی می‌داد. حتی دولت عثمانی که در حال تبدیل شدن به یک کشور جمهوری بود، در حمایت از اسماعیل آقا توجیهی‌هایش را هم همراه‌وی روانه می‌کرد.

فرض لشکر عثمانی و آشوریان در به آشوب کشیدن آذربایجان و کشتار ارمنه چه بود؟

در جنگ جهانی اول وقتی لشکر عثمانی به ایران آمد مسبب اتفاقاتی در ارومیه شدند که از جمله حوادث آن دوران، کشتار مردم در آذربایجان بود. کشیشان آشوریان را علیه مردم منطقه تحریک می‌کردند به طوری که دست به کشتار ارمنه زدند که در نتیجه ارمنه

منطقه را خالی و فرار کردند و ۷۰ شهر ارمنی نشین از سکنه خالی شد. آشوریان نیز از نسوی عراق به ایران آمدند و با هبری مذهبی مارشیومن تصمیم گرفتند که در ایران کشوری مرکب از آذربایجان و کردستان، به نام آشورستان - آشورباستان - تشکیل دهند. ارمیکایی‌ها که آن زمان در ایران مسیحیون مذهبی داشتند، از آنها حمایت کردند که از جمله آنها دکتر کوچران آمریکایی بود. در این دوران کاری از دست دولت هم برنمی‌آمد. با روی کار آمدن رضاخان این جریان‌ات مقداری کاهش یافت.

سرانجام این غائله چطور آرام شد؟

پس از روی کار آمدن رضاخان، وی سرتیب امان‌الله میرزا را به فرماندهی قشون در آذربایجان منصوب کرد. امان‌الله میرزا هم قوای ۱۰هزار نفری اسماعیل آقا را که خواهان جدایی و استقلال کردستان از ایران بود، شکست داد و خودش را مجبور به فرار از ایران کرد. در سال ۱۲۰۹ دولت ایران طی پیامی به اسماعیل آقا با وعده عفو از وی درخواست کرد که به کشور بازگردد. اسماعیل آقا هم که از زندگی در ترکیه خسته شده بود، به این درخواست پذیرفت. از طرفی با بهتر شدن روابط ایران با ترکیه و فراهم شدن مقدمات سفر رضاخان در سال ۱۲۱۳ به ترکیه دولت این کشور دست از حمایت اسماعیل آقا برداشت.

اما اسماعیل آقا به محض رسیدن به ایران در صدد برآمد که دوباره عده‌ای را دور خود جمع کند. به همین علت نیروهای تیپ کردستان طی جنگ‌هایی سرانجام توانستند اسماعیل آقا سبیتقور را به هلاکت برسانند. ناگفته نماند که اسماعیل آقا در دوران حیاتش برای خود تاجی به نام تاج کردستان تهیه کرده بود. با کشته شدن اسماعیل آقا تا مدتی منطقه آرام بود، هر چند جنگ‌ها و درگیری‌های کوچکی میان مرزبانان و اشرار شکل می‌گرفت که علت این مسئله هم باز بودن مرزهای این منطقه از کشور بود.

ظاهراً در شهریور ۱۳۲۰ پس از حمله نیروهای شوروی و انگلیس به ایران، مناطق بسیاری از جمله کردستان تصرف می‌شود.

همینطور است. در شهریور ۱۳۲۰ ارتش شوروی و انگلستان (از شمال و مغرب) ایران را مورد حمله قرار دادند و مناطقی چون بندر شاپور، آبادان، کردستان، کرمانشاه، همدان و خوزستان به تصرف نیروهای انگلیس در آمدند اما پس از آن طی توافق که بین شوروی و انگلیس به وجود آمد قرار شد نیروهای انگلیسی کردستان را تخلیه کنند و در اختیار نیروهای شوروی بگذارند. جالب است بدانید دولت شوروی برای این منطقه طرحی داشتند که چندین سال پیش قاش شد.

کمی بیشتر در خصوص این طرح و مفاد آن توضیح دهید.

در سال ۱۹۹۹ در کاخ دی (ایالتی در گرجستان) کنفرانسی برپا شد و از دانشگاه ودرویلسون امریکا، مرکز مطالعات تاریخ ایران، دانشگاه پاریس، دانشگاه باکو، دانشگاه گرجستان، دانشگاه ارمنستان و دانشگاه شوروی به همراه سازمان‌های امنیتی آنها دعوت به عمل آمد. در این کنفرانس فاش شد که استالین در آن سال‌ها درخواست جدایی مناطق آذربایجان شرقی و غربی، گیلان، مازندران، گرگان، استرآباد و شمال خراسان را از ایران داشته است.

انگلیسی‌ها برای آنکه مقاومت ارتش ایران را از بین ببرند چه اقداماتی می‌کنند؟

انگلیسی‌ها برای آنکه مقاومت ارتش ایران را از بین ببرند(به‌خاطر تبلیغات رضاشاه و آلمان‌ها که می‌گفتند ۳۰۰ هزار نفر زیر پرچم داریم) محمد رشید، خان شورشی را که مثل اسماعیل آقا از کشور فرار کرده و به عراق رفته بود، به ایران می‌فرستند و در ۱۳۲۲ با نه آتش می‌کشد. محمد رشید ملقب به «حه مه رشید» همان حرف‌های اسماعیل آقا را می‌زد و ادعا می‌کرد که قصد دارد دنبال کار وی را بگیرد و به همین خاطر پانه را آتش زد. همین مسئله هم سبب از هم پاشیدگی لشکر کردستان شد.

هدایت‌الله حکیم‌الهی، روزنامه‌نگاری که آن زمان افسر وظیفه بود در خاطراتش آورده که پشه مالاربا از یک سو، مردم کردنشین منطقه که دست دولت مرکزی و کشتارهایش به ستوه آمده بودند از سوی دیگر به ما حمله می‌کردند. روس‌ها هم که در ارتش ایران ستون پنجم داشتند از این فرصت استفاده و منطقه را تصرف می‌کنند.

ظاهراً شوروی برای کمونیست کردن کردستان برنامه مفصلی داشته‌است؟

در این دوره ارتش شوروی با رهبران کرد منطقه ارتباط برقرار و از آنها دعوت می‌کند به باکو بروند. در باکو به آنها وعده می‌دهد در تشکیل جمهوری سوسیالیستی کمک کند. یعنی اگر از کردهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه، به کردستان بزرگ درست شود، ما از شما حمایت می‌کنیم. رهبران کرد هم باور و حزبی به نام کومله درست می‌کنند که در این دوران قاضی محمد که از خانواده‌های اصیل و محترم کردستان بود به همراه قاضی صدر و قاضی سیف، برادر و پسر عمومی حوزی را به نام (ژبان- کومله- دموکرات) تشکیل می‌دهند که افکار کمونیستی داشتند و غائله‌ای به راه می‌اندازند. یک ماه پس از سقوط تبریز در ۲۱ آذر ۱۳۲۴، مهیاد نیز سقوط کرد و جمهوری مهاباد تشکیل شد. اما به خاطر اختلافات قبیله‌ای که در سنندج وجود داشت، این شهر سقوط نکرد. در این دوران رؤسای قبایل کرد نیز لباس ارتش شوروی را به تن کرده و برخی همانند پرچم کردستان عراق علم کردند.

سرانجام حه مه رشید چه شد؟

آن زمان آرم پرچم‌شان پرگار و ستاره سرخ بود و ارتش محلی تشکیل داده بودند و خود را ایرانی نمی‌دانستند. اما دوران حکومتشان به یک سال هم نرسید و سرانجام پس از ۱۱ ماه توسط ارتش دستگیر شدند. قاضی محمد پس از دستگیری در اظهاراتش می‌گوید: «رضاشاه که از کشور رفته بود ارتش شوروی منطقه را گرفته بود و ما در وضع بدی قرار داشتیم و کسی به داد ما نمی‌رسید. ناچاراً تصمیم گرفتیم با اینها کنار بیاییم و گرنه با هیچ قصد جدایی از ایران را نداشتیم.» پس از آن ملامصطفی بارزانی، رهبر کردهای عراق هم با به تن کردن لباس ژنرالی عده‌ای را دور خود جمع کرد. در این میان عده‌ای از تودهای‌ها نیز به او پیوستند.

علت شکست قاضی محمد و حزب دموکرات چه بود؟
در واقع این فرقه قلابی دموکرات زمانی شکست خورد که دولت روسیه به دلیل کمبود بودجه آنها را رها کرد. داستان پررنده را سه‌هنگ فیوضی نوشته است که هر سه نفر در سال ۱۳۲۶ اعدام شدند.

اتهام‌شان چه بود؟
به دلیل تغییر پرچم کشور، تشکیل ارتش و اعلام جمهوری و پوشیدن لباس بیگلنه. محمدرضاپهلوی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پسر قاضی محمد را به توصیه بریکایی‌ها آجودان خود کرد. آنها گفته بودند بهتر است با پسر قاضی محمد مسالمت آمیز رفتار کند. مجله ترقی هم آن سال‌ها عکس را پشت جلدهش چاپ کرد که پسر شیخ خزئل و قاضی محمد آجودان‌های شاه ایران شده‌اند. در واقع محمدرضا پهلوی قصد داشت با این روش‌ها مردم را به سوی خود جذب کند.

سر و صدای این جنبش‌های جدایی طلبانه با اعدام قاضی محمد، خوابید ولی همچنان دولت ایران به خاطر اوضاع نابسامان مالی به کردستان رسیدگی نمی‌کرد. هر چند رژیم را پس از فروکش کردن غائله آذربایجان برای جذب اقوام کرد آنها را به عنوانی مختلف به باشگاه‌های پذیرایی تهران دعوت می‌کرد. البته بعد از انقلاب هم آقای خامنه‌ای با سفر به این مناطق اجازه دادند که کردها مساجد خودشان را داشته باشند.

پس از اعدام قاضی محمد همچنان حوادث کوچکی در منطقه رخ می‌داد که با تحریک حزب کمونیست و کومله بود. این جریان‌ات ادامه داشت تا سال ۱۳۳۷ و کودتای عبدالکریم قاسم در عراق. در این دوران رژیم عراق که طرفدار چپ‌ها (شوروی) بود، نظامی ایران را تحریک می‌کرد و برای تعلیمات کرد‌های به عراق می‌برد. علاوه بر این عبدالکریم قاسم، نخست‌وزیر و وزیر دفاع حکومت چپگرایی عراق پس از کودتای دستور داد که ملامصطفی بارزانی را به عراق برگرداند.

۹ جوان

از چه روی ملامصطفی بارزانی به مخالفت با رژیم کمونیستی شوروی پرداخت و مقابل دولت عراق قرار گرفت؟

همانطور که پیشتر اشاره شد، ملامصطفی از کردهای عراق بود که به ایران آمد و از راه ایران به شوروی رفته و همانجا پناهنده شده بود. وی ۱۲ سال در شوروی ماند. اما از آنجا که رژیم کمونیستی شوروی مورد پسندش واقع نشد به یک میهن‌پرست ضد شوروی مبدل گشت. در حالی که پیش از آن ادعای دوستی با کمونیست‌ها را داشت. به هر روی دولت شوروی به وی اجازه خروج از شوروی را نمی‌داد و همین مسئله سبب اعتراض ملامصطفی شده بود. به طوری که شاهدان عینی که آن سال‌ها در شوروی زندگی می‌کردند ملامصطفی را دیده بودند که به نشانه اعتراض جلوی کاخ کرملین روی زمین نشسته و تقاضای خروج از آن کشور را داشته است. ملامصطفی انسان ساده‌ای بود و غذایش نان و ماست بود.

بالاخره شوروی ملامصطفی را به کردستان عراق فرستاد. ملامصطفی که عقایدش تغییر کرده و در پی استقلال کردستان عراق بود، به خاری در چشم دولت چپگرایی عراق مبدل شد و زیربار درخواست‌های آنها رفت. می‌گویند ملامصطفی ادعا داشته ما مردم کرد قصد داریم استان‌های مستقل داشته باشیم و معاون رئیس‌جمهور نیز حداقل کرد باشد.

سرانجام چه شد؟

عبدالکریم قاسم که زیربار این حرف‌ها نمی‌رود، دستور مهربان مناطق کردنشین ایران را می‌دهد و به همین سبب کم‌کم به ایران نزدیک می‌شود. این جریان ادامه داشت تا اینکه عبدالسلام عارف کودتا کرد و عبدالکریم قاسم را کشت. بعد از آن عبدالحسین البک پسرعموی صدام حسین به ریاست جمهوری عراق گماشته شد. از آن زمان عراقی‌ها با ایران اختلاف داشتند. تا سال ۱۳۳۷ خبری در منطقه نبود اما از سال ۱۳۳۷ کوشش‌های جنبش‌های کمونیستی در کردستان آغاز شد. در این دوره فردی به نام ارشد مامدی رهبر یکی از گروه‌های شورشی بود که بسیار آدم می‌کشت. تا سر کوب شدند و بیشتر فعالیت جنبشان در فرانسه رخ می‌داد. از سال ۱۳۳۰ مرکز تحقیقات کرد در پاریس برتب علیه حکومت ایران و اینکه کردستان باید از ایران جدا شود با یک ملت جهانی شود، مقاله می‌نوشت. هر چند مطبوعات ایران هم در مقام پاسخ درمی‌آمدند.

آخرین غائله‌ای که برای تحریک و جدایی مناطق کردنشین کشور انجام گرفت با تحریک چه نیروهایی صورت گرفت؟

در واقع از جنگ جهانی دوم به بعد دول غرب قصد تجزیه ایران را داشته‌اند برای همین هم پس از پیروزی انقلاب پیش از آنکه حکومت اسلامی به درستی مستقر شود با به راه انداختن غائله‌هایی در منطقه توسط برخی سران کرد سعی کردند به هدف دیرینه خود دست یابند. در آن دوران عبدالرحمان قاسملیو دموکرک حزب دموکرات کردستان ایران گفته بود: «ما می‌خواهیم کردستان خودمختار شود، یعنی اختیارش را خود کردها باشد.» در نتیجه هیئتی از نسوی دولت بازارگان به منطقه کردستان فرستاده شد تا غائله خاتمه یابد. از جمله فرستادگان دولت مرحوم آیت‌الله طالقانی، شهید بهشتی و… بودند.

مهاجمان ادعای خودمختاری داشتند به همین منظور پس از محاصره تیپ مهاباد، پاسگاه‌های منطقه را به آتش کشیدند و رادیو و تلویزیون را به تصرف خویش درآوردند اما سرانجام فرمان امام، تمام نیروها به منطقه اعزام شدند و این غائله به پایان رسید.

سرنهنگی به نام سورنا کتاب زیبایی در همین رابطه نوشته است: «در این کتاب آمده که جدایی طلبان کرد اعا داشتند ما وقتی می‌گوییم کردستان، منظورمان سنندج و مهاباد نیست بلکه تمام آن بخش‌های کردنشین ایران است.» حتی نقشه‌ای هم از مناطق کردنشین تهیه کرده بودند که مثلاً کرد کوچ در گسرگان، شهر کرد در بختیاری هم جزو مناطق کردستان جدید محسوب می‌شود. هر چند با وجود جنگ و خونریزی به نتیجه‌ای هم نرسیدند.

ولی این تحریکات همچنان از سوی غرب ادامه دارد…

بله امروزه امریکا و انگلستان بسیار آنها را تشویق می‌کنند حتی چندی پیش در برنامه آپارات شبکه BBC از کارگردان ایرانی دعوت کرده بودند که در حال ساخت فیلم دو ساعته‌ای از عکس اعدام متمرذین کرد بود.این فیلم بر اساس عکسی ساخته می‌شد که عکاس روزنامه کیهان آن سال‌ها گرفته بود. ناگفته نماند که آن عکاس در سال ۲۰۰۶ بابت این عکس جایزه گرفتار شده بود. در واقع این کارگردان با ساخت این فیلم سعی در تحریک کردها دارد.

یکی از راه‌های تجزیه و تغییر نظام در ایران توسط غرب به راه انداختن جنگ‌های سکنار بستی شونونیستی است. در این روش نیازی به لشکر کشی وجود ندارد. مردم منطقه‌های مختلف مثل ترک، کرد، لر، عرب و… مورد تسمسخر دیگر نقاط قرار می‌گیرند و همدلی و هم‌رنگی ملت از میان می‌رود. برای تغییر این شرایط باید احساسات ملی مردم تحریک شود. چرا وطن‌دوستی میان مردم کوچک شمرده می‌شود. وطن مثل خانه انسان است و نباید مورد زحمت قرار گیرد، ما باید بیشتر روی این مسائل دقت کرد و ملی غرب باید بداند که کردها بخشی از مردم ایران و بسیار عزیز هستند، به همین خاطر هیچگاه مناطق کردنشین از ایران جدا نخواهند شد.



نقشه‌مناطق کردنشین خاورمیانه